

مقاله پژوهشی

تحلیل محتوای استراتژی امنیت ملی ایالات متحده  
آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۱-۲۰۰۱)

حسین مذهب<sup>۱</sup>، محمد رضا قاندي<sup>۲</sup>، رضا سیمبر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

**چکیده:** ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، به خصوص پس از فروپاشی شوروی، همواره داعیه سلطه برتر در نظام بین‌الملل را داشته و سیاست‌گذاری‌های خارجی خود را بر اساس استراتژی امنیت ملی در هر دوره ریاست‌جمهوری تبیین کرده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای توانسته است با نفوذ مادی و معنوی در کشورهای غرب آسیا، شکل جدیدی از نظم منطقه‌ای بوجود آورد. تضاد منافع آمریکا و ایران، این سؤال را مطرح می‌کند که استراتژی‌های امنیت ملی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ در عمل به چه راهبردهایی در قبال ایران تبدیل شده‌اند؟ در پاسخ فرضیه مطرح شده آن است که «ایالات متحده آمریکا با اتخاذ استراتژی‌های امنیت ملی تهاجمی خود در قبال ایران، به دنبال محدود کردن منافع ایران از نظام بین‌الملل است تا بتواند منافع خود را افزایش و در نهایت دوباره به هژمون برتر در نظام بین‌الملل تبدیل گردد». پس از بررسی منابع شاخص دسته اول (اقتصادی و راهبردهای امنیتی) با روش تحلیل محتوای تلفیقی (کمی و کیفی)، نتایج نشان داد: آمریکا در ابتدا سیاست تغییر رفتار و مهار ایران را دنبال می‌کرده و پس از آن به سیاست تعامل و فشار و در نهایت به مهار و تغییر رفتار تبدیل شده و برای اجرای این استراتژی‌ها طی این مدت، هرسال تحریم‌های بیشتر و متنوع‌تری را علیه ایران اعمال کرده است؛ این در حالی است تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران با وجود انعقاد برجام در دوران باراک اوباما، به طور کامل حذف نشد و در دوران ترامپ نه تنها آمریکا از برجام خارج شد بلکه تحریم‌های جدیدتر و متنوع‌تری علیه ایران اعمال شد. در دولت بایدن نیز سیاست‌های قبلی دولت‌های آمریکا به شیوه متفاوت در حال دنبال شدن است. آمریکا به دنبال آن است که منافع و امنیت ایران دچار محدودیت کرده تا به دنبال آن به هژمون برتر تبدیل گردد. **واژگان کلیدی:** استراتژی امنیت ملی، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: [ghaedi1352@gmail.com](mailto:ghaedi1352@gmail.com)

۳. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

کشور آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، همواره به دنبال سلطه بر نظام بین‌الملل بوده است. به این منظور برای طراحی و اجرای استراتژی‌های خود، در دوران هر رئیس‌جمهوری سندی را طراحی کرده که در آن رؤس امنیت ملی مشخص و سیاست‌های دولت برای مقابله با آن‌ها تدوین کرده‌اند؛ به طور مشخص از سال ۱۹۸۶ این سند مبنای قانونی با عنوان گلد واتر-نیکولز پیدا کرد. در این سند هر کشور بنا به میزانی که منافع ایالات متحده آمریکا با آن گره خورده است بررسی و در صورت نیاز راهکارهای مقابله و یا همکاری با آن تعریف می‌گردد. منطقه غرب آسیا به عنوان یکی از مناطق استراتژیک و دارای منابع فراوان انرژی همواره مورد توجه آمریکا بوده است. در این منطقه اغلب کشورها به جز جمهوری اسلامی ایران به نوعی متحد و یا تحت نفوذ آمریکا محسوب می‌شوند.

با سقوط رژیم شاهنشاهی، ایالات متحده آمریکا دیگر نتوانست مثل گذشته منافع خود را در ایران به پیش ببرد و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران، رابطه میان دو کشور قطع و به تبع آن طی سال‌ها، تحریم‌های متعددی علیه ایران صادر و تضاد منافع با ایران آغاز شد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران طی این مدت تبدیل به یکی از قدرتمندترین قدرت‌های منطقه غرب آسیا شد و توانست نه تنها در غرب آسیا، بلکه در مناطق پیرامونی و فرابیرامونی خود نفوذ داشته باشد؛ این نفوذ مادی و معنوی، هیچ‌گاه به مذاق آمریکایی‌ها خوش نیامد و همین امر منجر به این مسئله شده که آیا این نفوذ مانع از دستیابی ایالات متحده به منافع خود در این مناطق منجر می‌گردد و یا این‌که آن منافع را دچار خدشه می‌کند؟ پژوهشگران نظام بین‌الملل برای دستیابی به این منظور پیشتر استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهند. استراتژی‌های امنیت ملی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ در عمل به چه راهبردهای در قبال ایران تبدیل شده‌اند؟ در پاسخ فرضیه مطرح شده آن است که «ایالات متحده آمریکا با اتخاذ استراتژی‌های امنیت ملی تهاجمی خود در قبال ایران، به دنبال محدود کردن منافع ایران از نظام بین‌الملل است تا بتواند منافع خود را افزایش و در نهایت دوباره به هژمون برتر در نظام بین‌الملل تبدیل گردد».

### ۱. پیشینه پژوهش

کوپه در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر اسناد استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا: تحلیلی بر فهم تغییر هژمونی امنیت» به بررسی سیر تاریخی قدرت هژمونیک ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۴۵ تا

۲۰۲۱ پرداخته و در ادامه استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا را از دوره رونالد ریگان تا جو بایدن با تاکید بر مسئله هژمونی، با روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در انتها نتیجه می‌گیرد که؛ هر چند رویکرد هژمونیک امنیتی آمریکا از گذشته در طیف گسترده‌ای قرار داشته و در دو دهه اخیر کاهش یافته است اما این رویکرد هژمونیک هنوز ادامه داشته و ایالات متحده آمریکا به دنبال فرصت‌هایی برای رهبری جهان خواهد بود.

نجاتی در مقاله خود با عنوان «سیاست‌خارجی آمریکا در دوران ترامپ (موافقت نامه‌های بین‌المللی و سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران)» مطرح می‌کند که سیاست‌خارجی کشورها همواره بر اساس نظام ارزشی و ویژگی‌های ملی حاکم بر آن‌ها شکل می‌گیرد و هویت ملی آن‌ها را به عنوان یک دولت-ملت شکل می‌دهد که برای تأمین منافع ملی و دستیابی به کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت نظریه‌پردازی شده و عملیاتی می‌شود اهداف موقت ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت نظام بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه نیز از این قاعده پیروی می‌کنند.

محمدرضا دهشیری، محمدرضا قانیدی و سید مهدی حبیبی در مقاله‌ای با عنوان «تشدید واگرایی آمریکا و چین در عصر پساکرونا و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران» و با بررسی دیدگاه‌های موجود به این نتیجه رسیدند که می‌توان به کاربست نظریه آشوب، به این نتیجه رسید که واگرایی روابط طرفین، پدیده‌های پیچیده و چند علتی است که شیوع جهانی ویروس کرونا، به مثابه اثر پروانه‌ای، موجب آشکار شدن و تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک میان آن‌ها شده است.

الهام رسولی ثانی آبادی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای نگاه به چین و ایران در استراتژی امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۷)» به بررسی الگوی عمل آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ در قبال ایران و ایران به عنوان دو بازیگر مهم در استراتژی منطقه‌ای و استراتژی کلی این کشور در چارچوب نظم منطقه‌ای شرق آسیا و خاورمیانه می‌پردازد. استدلال اصلی این مقاله استراتژی «موازنه از راه دور» براساس مفاهیم «موازنه قدرت در برابر چین» و «موازنه تهدید در برابر ایران» عنصر اصلی استراتژی ترامپ براساس داده‌های موجود در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ و کنش‌های رفتاری و گفتاری وی در طول دوران ریاست‌جمهوری‌اش است.

مصطفی نژاد در مقاله‌ای با عنوان «سیاست مقایسه‌ای آمریکا در برخورد با ایران و امنیت خاورمیانه» معتقد است: ارزیابی الگوهای رفتاری باراک اوباما، جورج بوش پسر و دونالد ترامپ در مورد امنیت

خاورمیانه و الگوهای راهبردی آنان در قبال ایران بیانگر این واقعیت است که آمریکا از سیاست مهار، تحریم اقتصادی، جنگ‌های نیابتی و اقدامات نامتقارن در برخورد با ایران بهره گرفته است. برای اعمال چنین سیاست‌هایی از راهبردهایی همانند: «موازنه فراساحلی»، «اقدامات ضدتروریستی» و «نقش آفرینی غیرمستقیم در محیط پیرامونی» بهره گرفته‌اند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که «تغییر در رؤسای جمهور آمریکا صرفاً منجر به الگوهای کنش و تاکتیک‌های متفاوت امنیتی شده و این امر تأثیر بنیادین در راهبرد آمریکا به جا نگذاشته است».

زهره همتی و فرهاد درویشی سه تالانی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رویکردهای سیاست‌خارجی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۴-۱۹۹۳» بر آن است تا کیفیت اعمال قدرت آمریکا نسبت به ایران طی سه دهه گذشته تا کنون را با استناد به اسناد امنیت ملی آمریکا مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بر اساس الگوی انواع قدرت یعنی قدرت سخت، نرم و هوشمند، رویکرد و کیفیت اعمال قدرت آمریکا نسبت به ایران دوره ریاست‌جمهوری کلینتون مبتنی بر قدرت نرم، دوره ریاست‌جمهوری بوش پسر مبتنی بر قدرت سخت و دوره اوباما مبتنی بر کاربرد قدرت هوشمند بوده است.

امروزه پژوهشگران عرصه روابط بین‌الملل به دنبال فهم سیاست‌های کلان کشورها در حوزه سیاست‌خارجی هستند، از این رو استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین سند در این خصوص به شناخت روابط با سایر کشورها به آن‌ها کمک می‌کند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مطالعاتی در این زمینه انجام شده است، اما نقدهایی به آن‌ها وارد است. به طور مثال کورپه با آن‌که استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا را از دوره رونالد ریگان تا جو بایدن تحلیل محتوایی کرده اما به طور اختصاصی کشور چین را مورد ارزیابی قرار نداده است، نجاتی، دهشیری و همکاران و رسولی ثانی آبادی صرفاً به بررسی دوران ترامپ و پس از کرونا پرداخته‌اند، مصلی نژاد، همتی و همکاران نیز از روش تحلیل محتوا استفاده نکرده و به‌روز نیستند.

نقطه ضعف‌های پژوهش‌های پیشین را می‌توان از چند جهت بررسی کرد، اول این‌که این پژوهش‌ها یک بررسی زمان‌دار ۲۰ ساله در دولت‌های متعدد ایالات متحده آمریکا از دوران جرج بوش، اوباما، ترامپ و بایدن پیرامون ایران انجام نداده‌اند، دوم از روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل این استراتژی‌ها استفاده نکرده‌اند سوم این‌که اغلب این پژوهش دارای چارچوب نظری نبوده و صرفاً اطلاعاتی را بدون چارچوب ارائه داده‌اند. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های قبلی این است

که راهبردهای ۲۰ سال گذشته ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران را با روش تحلیل محتوای یک چارچوب نظری مشخص مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

## ۲. چارچوب نظری

مطالعات نظام‌مند روابط بین‌الملل حداقل به زمان توسیدید بر می‌گردد. پس از آن، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، برخی کشورها تلاش کردند برای بهبود موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود، بر اساس ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، اولویت‌های خود را بر بقا و امنیت (مصلی نژاد، ۱۳۹۶: ۵) بنیان بگذارند، که به واقع‌گرایی مشهور شدند. مفروضه‌های اصلی آنان به این شرح بود که دولت‌ها بازیگران اصلی‌اند و مهم‌ترین رسالت آن‌ها صیانت از ذات کشور است. در نگاه واقع‌گرایی بر نقش محوری دولت تأکید می‌شود و روابط بین‌الملل نیز متشکل از دولت‌هاست و دیگر بازیگران بین‌المللی نظیر اشخاص، سازمان‌های بین‌الملل و سازمان‌های غیردولتی اهمیت چندانی ندارند بلکه تنها ابزاری در دست دولت‌ها هستند (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۲۶). واقع‌گرایان یا رئالیسم‌ها به دسته‌ها و نحله‌های مختلفی تقسیم شدند از آن جمله می‌توان به رئالیسم‌های تهاجمی و رئالیسم‌های تدافعی اشاره کرد، که این تقسیم‌بندی را اولین با جک اسنایدر در کتاب افسانه امپراتوری: سیاست داخلی و جاه‌طلبی بین‌المللی به کار برد (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۶۸). که در این پژوهش تأکید ما بر رئالیسم تهاجمی است.

رئالیسم تهاجمی بخشی از مکتب نوواقع‌گرایی است که برای نخستین بار توسط جان میرشایمر مطرح شد. این نظریه نیز با توجه به مبنای واقع‌گرایی خود مدعیست که آشوب زده بودن نظام جهانی باعث رفتار تهاجمی دولت‌ها در سیاست بین‌الملل است (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۲۳). این به آن معنی است که آنارشی دولت‌ها را مجبور می‌کند تا قدرت یا نفوذ خود را به حداکثر برسانند، چرا که از نظر آنان، بین الزامات سیستمی و تعقیب سیاست خارجی حقیقی دولت‌ها، ارتباط نسبتاً مستقیمی وجود دارد. در یک محیط آنارشیک «الزامات رقابتی سیستم بین‌المللی» دولت‌ها را هدایت می‌کند. اگر یک دولت برای به حداکثر رساندن نفوذ خود تلاش نکند، دولت‌های دیگر در فرصتی مناسب، چنین سهمی از نفوذ را از آن خود خواهند کرد (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۳۸) و هدف نهایی یک دولت تبدیل شدن به هژمون در نظام بین‌الملل است (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۷۰). وی بر این باور است که رهبران کشورها باید آن دسته از سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که دشمنان بالقوه‌ی آنان را تضعیف می‌کند و قدرت آن‌ها

را نسبت به بقیه‌ی کشورها افزایش می‌دهد (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۲۲) و به دنبال آن در سیاست‌خارجی تهاجمی، دولت‌ها خواهان افزایش امنیت خود از راه کاهش عامدانه امنیت سایر دولت‌ها هستند و در درجه دوم، ماهیت سیاست بین‌الملل را بر اساس وجود درگیری تعریف می‌کنند، به شکلی که وجود درگیری، عنصری ضروری برای هدایت سیاست بین‌الملل است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

به طور کلی میرشایمر پنج اصل را در ارائه تئوری واقع‌گرایی تهاجمی خود مفروض قرار می‌دهد که عبارت‌اند از:

۱. نظام بین‌الملل آنارشیک است؛
۲. قدرت‌های بزرگ دارای میزانی از تمایلات و توانمندی‌های تهاجمی هستند؛
۳. دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در خصوص اهداف سایر دولت‌ها مطمئن باشند و بی‌اعتمادی از مشخصه‌های اصلی بین دولت‌ها است؛
۴. قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلانی یا محاسبه‌گرانی استراتژیک به حساب می‌آیند؛
۵. دولت‌ها در پی بقاء هستند (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۴۲-۸۴۳).

## ۲-۱. تعریف مفاهیم

### ۲-۱-۱. راهبرد

راهبرد یا استراتژی به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آن‌ها است. به بیان دیگر راهبرد طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلندمدت مشخص طراحی و تبیین می‌گردد. راهبرد مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت‌داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۶).

### ۲-۱-۲. استراتژی امنیت ملی آمریکا

استراتژی امنیت ملی آمریکا سندی است که در دوره‌های مختلف زمانی توسط قوه مجریه تنظیم و به کنگره ارسال می‌شود که در آن رؤس عمده نگرانی‌های امنیت ملی این کشور مشخص شده و سیاست‌های دولت برای مقابله با این تهدیدات تعریف می‌شود مبنای قانونی این سند در قانون گلد

واتر-نیکولز<sup>۴</sup> ۱۹۸۶ تحریر شده است (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۸۸).

### ۳-۱-۲. امنیت ملی

امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (ماندل، ۱۳۸۷).

### ۳. روش شناسی

این پژوهش با روش تحلیل محتوای تلفیقی (کمی-کیفی) انجام شده است. در این روش، همانند روش تحلیل محتوای کمی، پژوهشگر به شمارش واژه‌ها، جمله‌ها و مفاهیم دست می‌زند، اما فرآیند پژوهش در اینجا متوقف نمی‌شود و به جای تمرکز بر فراوانی داده‌ها و تحلیل آماری از آن، پژوهشگر توجه خود را به استفاده از واژه‌ها در هر بافت خاص معطوف می‌کند (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۷۸). برای این منظور استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هم‌چنین از ابزارهای گردآوری کتابخانه‌ای، سایت‌های اینترنتی استفاده شده و در خصوص آمارهای شاخص استراتژی امنیت ملی و مسائل اقتصادی) به منابع دسته اول رجوع شده است.

### ۴. استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا

دولت‌ها با انتشار اسناد راهبردی تلاش می‌کنند تا توضیح دهند که جایگاه کشور در دنیا از نگاه آن‌ها چگونه است و با چه ابزاری به دنبال دستیابی به آن اهداف هستند (یوسفی و حبیبی، ۱۴۰۰: ۹۳). از همین رو ایالات متحده آمریکا تا سال ۱۹۹۱ استراتژی امنیت ملی خود را بر مبنای وجود دو ابرقدرت جهانی تعیین کرده بود. اما بعد از فروپاشی شوروی، موضوع اساسی مورد بحث در زمینه

امنیت ملی، مسئله طراحی امنیت بر اساس جهان تک قطبی بود (روحانی، ۱۳۸۱: ۲) و این کشور از آن زمان تا کنون بیش از پیش به دنبال سلطه بر جهان بوده است. حفظ هژمونی ریشه‌ای در ایدئولوژی آمریکایی دارد و به طور مؤثری در سیاست گذاری آمریکا بین اعضای جامعه استراتژیک این کشور وجود دارد (متقی، ۱۳۹۱: ۲۱۸). از این رو و با توجه به بررسی و تحلیل هرچه بهتر استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، در ادامه این پژوهش این استراتژی‌ها از سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ در قبال ایران، تحلیل محتوای خواهند شد و در بخش اول یافته‌ها، مهم‌ترین جملاتی که در بافت متن استراتژی امنیت ملی آمریکا، مرتبط با چین بوده‌اند با روش تحلیل محتوا کیفی و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA استخراج شده‌اند.

#### ۴-۱. استراتژی امنیت ملی بوش ۲۰۰۱-۲۰۰۲-۲۰۰۶

استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در دوره جرج بوش پسر، همراه با یک‌جانبه‌گرایی مداوم به همراه کسب حمایت‌های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم بود. گسترش دموکراسی و مبارزه با رژیم‌های خودکامه برای تحقق حاکمیت کرامت بشری در جهان؛ تقویت ائتلاف دولت‌ها برای مبارزه جهانی با تروریسم و پیشگیری از حمله به آمریکا و دوستان این کشور؛ همیاری برای حل منازعات منطقه‌ای؛ جلوگیری از تهدید آمریکا، متحدان و دوستانش به وسیله کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی؛ ایجاد عرصه‌ای جدید برای رشد اقتصادی جهانی از طریق بازار و تجارت آزاد؛ گسترش چرخه توسعه از طریق ایجاد زیرساخت‌های دموکراسی؛ ایجاد دستورکاری برای اقدام همکارانه با سایر مراکز اصلی قدرت جهانی؛ تبدیل نهادهای امنیت ملی آمریکا متناسب با چالش‌ها و فرصت‌های قرن بیست و یکم از مهم‌ترین عناوین این استراتژی برشمرده می‌شد؛ فراموش نباید کرد که در یک سال اول دولت بوش، دستورکار بر اساس آخرین استراتژی (در دولت کلینتون در دسامبر ۲۰۰۰ نوشته شده) بود (مختاری، ۱۳۸۲: ۱۴).

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌کنیم، مهم‌ترین استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قبال ایران، طی دوره ریاست‌جمهوری جرج بوش، با تفکیک سال و شماره صفحه آمده؛ به طور کلی در این دوره استراتژی امنیت ملی آمریکا، مهار ایران و سیاست تغییر رفتار در ۲۰۰۱ و در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ تغییر رژیم ایران بوده است.



جدول ۲: استراتژی‌های امنیت ملی اوپاما ۲۰۱۰-۲۰۱۵ در قبال کشور ایران

سال	صفحه	جمله استفاده شده در استراتژی
۲۰۰۱	۷۵	<p>هدف سیاست ما در قبال ایران تغییر رویه‌های دولت ایران در چندین زمینه کلیدی است، از جمله تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های دوربرد، حمایت از تروریسم و گروه‌هایی که به شدت با روند صلح خاورمیانه مخالفت می‌کنند، و حقوق بشر</p> <p>ما از اظهارات برخی مقامات ایرانی که از بهبود روابط با ایالات متحده حمایت می‌کنند استقبال می‌کنیم.</p> <p>این نشانه‌های مثبت باید با این واقعیت که حمایت ایران از تروریسم هنوز متوقف نشده و نقض جدی حقوق بشر ادامه دارد، متعادل شود.</p> <p>ایالات متحده به مخالفت با تلاش‌های ایران برای حمایت از تروریسم و مخالفت با انتقال مواد و فناوری‌هایی که می‌تواند برای توسعه موشک‌های دوربرد یا سلاح‌های کشتار جمعی از هر کشوری به ایران استفاده شود، ادامه خواهد داد.</p> <p>ایالات متحده نشان داده است که آماده بررسی راه‌هایی برای ایجاد اعتماد متقابل و جلوگیری از سوء تفاهم با ایران هستیم. با به رسمیت شناختن تغییرات مثبت در ایران، به ویژه انتخابات عادلانه و آزاد پارلمانی فوریه ۲۰۰۰، ما تحریم‌های خود را اصلاح کردیم تا به ایران اجازه دهیم فرش و مواد غذایی را به ایالات متحده صادر کند - صادرات کلیدی برای مشاغل کوچک ایرانی و تسهیل مردم برای صادرات. ما از گام‌های متقابل با ایران استقبال می‌کنیم و همچنان تمایل خود را برای مشارکت در گفت‌وگوی مقتدرانه با دولت ایران نشان می‌دهیم که در آن دو طرف در مورد مسائل مورد علاقه خود گفتگو کنند.</p>
۲۰۰۱	۷۷	<p>در ایران، ما امیدواریم که رهبران کشور به دستور مردم برای دولتی که به حاکمیت قانون احترام می‌گذارد و از آن حمایت می‌کند، چه در امور داخلی و چه در امور خارجی خود، عمل کنند.</p>
۲۰۰۲	۱۸	<p>در زمان جنگ خلیج فارس، ما به شواهد غیرقابل انکاری دست یافتیم مبنی بر اینکه طرح‌های عراق به سلاح‌های شیمیایی که علیه ایران و مردم خود استفاده کرده بود محدود نمی‌شد، بلکه به دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و عوامل بیولوژیکی نیز تسری پیدا کرد.</p>
۲۰۰۶	۱۷	<p>هر دولتی که متحد ترور باشد، مانند سوریه یا ایران، دشمن آزادی، عدالت و صلح را انتخاب کرده است. جهان باید این رژیم‌ها را مورد بازخواست قرار دهد.</p>
۲۰۰۶	۲۴	<p>ایران تعهدات پادمان معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خود را نقض کرده و از ارائه تضمین‌های عینی مبنی بر اینکه برنامه هسته‌ای خود صرفاً برای اهداف صلح آمیز است خودداری می‌کند.</p>
۲۰۰۶	۲۵	<p>ممکن است از سوی یک کشور به اندازه ایران با چالشی بزرگتر مواجه نشویم. برای تقریباً ۲۰ سال، رژیم ایران بسیاری از تلاش‌های هسته‌ای کلیدی خود را از جامعه بین‌المللی پنهان کرده بود. با این حال، رژیم همچنان ادعا می‌کند که به دنبال تولید سلاح هسته‌ای نیست. نیت واقعی رژیم ایران به وضوح با امتناع رژیم از مذاکره با حسن نیت آشکار می‌شود.</p> <p>امتناع این کشور از پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود از طریق فراهم کردن دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سایت‌های هسته‌ای و حل مسائل نگران‌کننده و اظهارات تهاجمی رئیس جمهور آن که خواستار «محو شدن اسرائیل از روی زمین» شد. ایالات متحده به شرکای خود در اتحادیه اروپا و روسیه پیوسته است تا ایران را برای انجام تعهدات بین‌المللی خود تحت فشار بگذارد و تضمین‌های عینی ارائه دهد که برنامه هسته‌ای آن فقط برای اهداف صلح آمیز</p>

سال	صفحه	جمله استفاده شده در استراتژی
		است. رژیم ایران حامی تروریسم است. اسرائیل را تهدید می‌کند به دنبال خنثی کردن صلح خاورمیانه است. دموکراسی در عراق را مختل می‌کند. و آرزوهای مردم خود را برای آزادی انکار می‌کند. موضوع هسته‌ای و دیگر نگرانی‌های ما در نهایت تنها در صورتی قابل حل است که رژیم ایران تصمیم راهبردی برای تغییر این سیاست‌ها بگیرد، نظام سیاسی خود را باز کند و به مردمش آزادی بدهد. این هدف نهایی سیاست ایالات متحده است. استراتژی ما این است که تهدیدات رژیم را مسدود کنیم و در عین حال تعامل و ارتباط خود را با مردمی که رژیم سرکوب می‌کند، گسترش دهیم.

(Bush, 2006) (Bush, 2002) (Clinton, 2001)

## ۲-۴. استراتژی امنیت ملی اوپاما ۲۰۱۰-۲۰۱۵

باراک اوپاما سیاست امنیت ملی خود را بر اساس رهیافت نئولیبرالی تنظیم کرده بود. محورهای اصلی نئولیبرالیسم مبتنی بر بهره‌گیری از سازوکارهای اقتدار نرم بوده است. رهیافت‌های نئولیبرالی شکل متنوع‌تری از اقتدار را پیگیری می‌کند (اسفندیاری و متقی، ۱۴۰۰: ۱۲). در دولت اوپاما، سیاستمداران به دنبال کاهش هزینه‌های سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه، از طریق رفع خصومت‌ها با ایران از طریق مذاکره بودند (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۱۶). البته سیاست‌های اعلام شده در این سند برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بیشتر تهدید بود تا فرصت (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳).

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌کنیم، مهم‌ترین استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قبال ایران، طی دوره ریاست‌جمهوری باراک اوپاما، با تفکیک سال و شماره صفحه آمده؛ به طور کلی در این دوره استراتژی امنیت ملی آمریکا، سیاست تعامل و فشار با وجود هشدار و زیر نظر داشتن اختلاف نظرها بوده است.

جدول ۲: استراتژی‌های امنیت ملی اوپاما ۲۰۱۰-۲۰۱۵ در قبال کشور ایران

سال	صفحه	جمله استفاده شده در استراتژی
۲۰۱۰	۲۳	ایالات متحده خلع سلاح اتمی شبه جزیره کره را دنبال خواهد کرد و برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تلاش خواهد کرد. این مربوط به جدا کردن کشورها نیست، بلکه مربوط به مسئولیت‌های همه ملت‌ها و موفقیت رژیم عدم اشاعه است. هر دو کشور با یک انتخاب روشن روبرو هستند. اگر کره شمالی برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را حذف کند و ایران به تعهدات بین‌المللی خود در مورد برنامه هسته‌ای خود عمل کند، آن‌ها می‌توانند در مسیر یکپارچگی سیاسی و اقتصادی بیشتر با جامعه بین‌المللی حرکت کنند. اگر آن‌ها تعهدات بین

المللی خود را نادیده بگیرند، ما راه‌های متعددی را برای افزایش انزوای آن‌ها و مطابقت آن‌ها با بهنجارهای بین المللی منع اشاعه دنبال خواهیم کرد.		
جمهوری اسلامی ایران چندین دهه است که امنیت منطقه و آمریکا را به خطر انداخته و به مسئولیت‌های بین المللی خود عمل نکرده است. علاوه بر برنامه هسته‌ای غیرقانونی خود، به حمایت از تروریسم، تضعیف صلح بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها و محرومیت از حقوق جهانی مردمش ادامه می‌دهد. سال‌ها امتناع از تعامل با ایران نتوانست این روندها را معکوس کند. برعکس، رفتار ایران تهدید آمیزتر شد. این مسیر بهتر تنها در صورتی محقق می‌شود که رهبران ایران مسیر خود را تغییر دهند، برای بازگرداندن اعتماد جامعه بین‌المللی و انجام تعهدات خود اقدام کنند. ایالات متحده به دنبال آینده ای است که در آن ایران به مسئولیت‌های بین المللی خود عمل کند، جایگاه شایسته خود را در جامعه ملت‌ها به دست آورد و از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی که مردمش سزاوار آن هستند بهره مند شود. با این حال، اگر دولت ایران به خودداری از اجرای تعهدات بین المللی خود ادامه دهد، با انزوای بیشتری مواجه خواهد شد.	۲۶	۲۰۱۰
ما تلاش‌های بین‌المللی برای توقف گسترش سلاح‌های هسته‌ای را رهبری کردیم، از جمله با ایجاد یک رژیم تحریم‌های بین‌المللی بی‌سابقه برای مسئول دانستن ایران به دلیل عدم اجرای تعهدات بین‌المللی‌اش، در حالی که تلاش‌های دیپلماتیک را دنبال می‌کردیم که قبلاً پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کرده و آن را لغو کرده است.	۱	۲۰۱۵
ما به صراحت اعلام کرده‌ایم که ایران باید به تعهدات بین‌المللی خود عمل کند و نشان دهد برنامه هسته‌ای‌اش کاملاً صلح‌آمیز است. رژیم تحریم‌های ما نشان داده است که جامعه بین‌الملل می‌تواند در صورتی که آن کشورها به تعهدات خود عمل نکنند، آن‌ها را پاسخگو نگه دارد و در عین حال فضایی را برای یک راه‌حل دیپلماتیک باز کند. پس از رسیدن به یک ترتیب گام اول که پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را در ازای کمک‌های محدود متوقف می‌کند، ترجیح ما دستیابی به یک توافق جامع و قابل راستی آزمایی است که تضمین کند برنامه هسته‌ای ایران صرفاً برای اهداف صلح‌آمیز است. این بهترین راه برای پیشبرد منافع ما، تقویت رژیم جهانی منع اشاعه، و امکان دسترسی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است. با این حال، ما همه گزینه‌ها را برای دستیابی به هدف جلوگیری از تولید سلاح هسته‌ای از سوی ایران حفظ می‌کنیم.	۱۱	۲۰۱۵
آمریکا به همکاری با متحدان و شرکای خود برای رسیدن به یک توافق جامع ادامه خواهد داد، توافقی که نگرانی‌های جهان را در مورد برنامه هسته‌ای ایران حل می‌کند.	۲۶	۲۰۱۵

(Obama, 2010) (Obama, 2015)

## ۳-۴. استراتژی امنیت ملی ترامپ ۲۰۱۷

ترامپ در این سند، به سیاست‌ها و برنامه‌هایی در چارچوب وعده انتخاباتی‌اش، یعنی شعار «اول آمریکا» تأکید کرده است. از مهم‌ترین انتقادات به این سند، بی‌اعتنایی به تغییرات آب و هوایی و زیست‌محیطی است. راهبرد امنیت ملی جدید آمریکا در این سند، چین و روسیه را به عنوان چالشی علیه قدرت، نفوذ و منافع واشنگتن تلقی کرده و آن‌ها را قدرت‌های تجدیدنظرطلب معرفی کرده است (Goodarzi & other, 2018: 226). استراتژی «موازنه تهدید در برابر ایران» عنصر اصلی استراتژی ترامپ براساس داده‌های موجود در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ و کنش‌های رفتاری و گفتاری وی در طول دوران ریاست‌جمهوری‌اش می‌باشد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۷: ۱۸۸). همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنیم، مهم‌ترین استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قبال ایران، طی دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، با تفکیک سال و شماره صفحه آمده؛ به طور کلی در

این دوره استراتژی امنیت ملی آمریکا، می‌توان ذیل پنج شاخص بی‌ثباتی، تهدید موشکی، برنامه هسته‌ای، تروریسم و حملات سایبری تقسیم کرد. بیشترین توجه به نقش بی‌ثبات‌کنندگی ایران و کمترین توجه به برنامه هسته‌ای ایران و تهدیدات سایبری بوده است (بختیاری، ۱۳۹۶: ۱).

جدول ۳: استراتژی امنیت ملی ترامپ ۲۰۱۷ در قبال کشور ایران

سال	صفحه	جمله استفاده شده در استراتژی
۲۰۱۷	۲۵	سه گروه اصلی رقیب - قدرتهای تجدیدنظرطلب چین و روسیه، دولت‌های سرکش ایران و کره شمالی، و سازمان‌های تهدیدکننده فراملی، به‌ویژه گروه‌های تروریستی جهادی- فعالانه با ایالات متحده و متحدان و شرکای ما رقابت می‌کنند. این رقبا اگرچه ماهیت و وسعت متفاوتی دارند، اما در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به رقابت می‌پردازند و از فناوری و اطلاعات برای تسریع این رقابت‌ها استفاده می‌کنند تا توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهند. این‌ها اساساً رقابت‌های سیاسی بین طرفداران نظام‌های سرکوبگر و طرفداران جوامع آزاد است.
۲۰۱۷	۲۶	رژیم ایران حامی تروریسم در سراسر جهان است. این کشور در حال توسعه موشک‌های بالستیک با توانمندی بیشتری است و این پتانسیل را دارد که کار خود را روی سلاح‌های هسته‌ای که می‌تواند ایالات متحده و شرکای ما را تهدید کند، از سر بگیرد
۲۰۱۷	۴۸	ایالات متحده و اروپا برای مقابله با براندازی و تجاوز روسیه و تهدیدهای کره شمالی و ایران با یکدیگر همکاری خواهند کرد. ما به پیشبرد اصول و منافع مشترک خود در مجامع بین‌المللی ادامه خواهیم داد.
۲۰۱۷	۴۹	ایران، کشور اصلی حامی تروریسم در جهان، از بی‌ثباتی برای گسترش نفوذ خود از طریق شرکا و نیابت‌ها، تکثیر تسلیحات و تأمین مالی استفاده کرده است. این کشور به توسعه موشک‌های بالستیک و قابلیت‌های اطلاعاتی با قابلیت‌تر ادامه می‌دهد و فعالیت‌های مخرب سایبری را انجام می‌دهد. این فعالیت‌ها از زمان توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ تا کنون ادامه داشته است. ایران همچنان به تداوم چرخه خشونت در منطقه ادامه می‌دهد و صدمات سنگینی به جمعیت غیرنظامی وارد می‌کند. کشورهای رقیب در حال پر کردن خلاء ناشی از فروپاشی دولت و درگیری‌های طولانی مدت منطقه‌ای هستند. امروز تهدیدهای سازمان‌های تروریستی جهادی و تهدید ایران این درک را ایجاد می‌کند که اسرائیل عامل مشکلات منطقه نیست. کشورها به طور فزاینده ای منافع مشترکی با اسرائیل در رویارویی با تهدیدات مشترک پیدا کرده‌اند
۲۰۱۷	۴۹	ما با شرکای خود کار خواهیم کرد تا رژیم ایران را از همه راه‌ها برای دستیابی به سلاح هسته‌ای محروم کرده و نفوذ بدخواهانه ایران را خنثی کنیم.

(Trump, 2017)

#### ۴-۴. استراتژی امنیت ملی بایدن ۲۰۲۱

واقعیت‌های سند امنیت ملی آمریکا در دوران بایدن بیانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران به مثابه اصلی‌ترین تهدید منطقه‌ای ایالات متحده در فضای آینده خواهد بود. تهدیدات ژئوپلیتیک آمریکا ناشی از چین و روسیه بوده و این امر موازنه جهانی را تغییر می‌دهد. در نگرش امنیتی آمریکا کشورهای منطقه‌ای نمی‌توانند تهدید پرشدت و پرمخاطره برای منافع، قدرت و امنیت ملی آمریکا ایجاد کنند. در عین حال نگرش امنیتی بایدن نسبت به ایران بیانگر آن است که جمهوری اسلامی در

حال افزایش قدرت ملی خود است و این امر می‌تواند زمینه لازم را برای ایجاد چالش‌های جدید در محیط پیرامونی به وجود آورد. آمریکایی‌ها به این موضوع اشاره دارند که ایران در حال توسعه قدرت ابزاری برای اثربخشی بر امنیت منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس است. در نگرش آمریکا، ایران می‌تواند موازنه جدیدی در محیط امنیتی به وجود آورد. اگر ایران به سطح جدیدی از همکاری و ائتلاف با قدرت‌های جهانی یعنی چین و روسیه دست یابد، در آن شرایط تبدیل به نیروی پرمخاطره برای منافع و امنیت منطقه‌ای آمریکا خواهد شد. هژمونی آمریکا ایجاب می‌کند که هیچ بازیگر منطقه‌ای جدیدی به قدرت فائقه در خلیج فارس دست پیدا نکند (متقی، ۱۴۰۱: ۱). همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌کنیم، مهم‌ترین استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قبال ایران، طی دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، با تفکیک سال و شماره صفحه آمده؛ به طور کلی در این دوره استراتژی امنیت ملی آمریکا، مهار ایران و سیاست تغییر رفتار بوده است.

جدول ۴: استراتژی امنیت ملی بایدن ۲۰۲۱ در قبال کشور ایران

سال	صفحه	جمله استفاده شده در استراتژی
۲۰۲۱	۸	بازیگران منطقه‌ای مانند ایران و کره شمالی همچنان به دنبال قابلیت‌ها و فناوری‌های تغییردهنده بازی هستند و در عین حال متحدان و شرکای آمریکا را تهدید می‌کنند و ثبات منطقه‌ای را به چالش می‌کشند.
۲۰۲۱	۱۱	ما با شرکای منطقه‌ای خود برای جلوگیری از تجاوزات ایران و تهدیدات علیه حاکمیت و تمامیت ارضی، برهم زدن القاعده و شبکه‌های تروریستی مرتبط و جلوگیری از ظهور مجدد داعش، رسیدگی به بحران‌های بشردوستانه، و مضاعف کردن تلاش‌های خود برای حل و فصل درگیری‌های مسلحانه پیچیده‌ای که منطقه را تهدید می‌کند، کار خواهیم کرد.
۲۰۲۱	۱۳	ما با همکاری با متحدان و شرکا، دیپلماسی اصولی را برای رسیدگی به برنامه هسته‌ای ایران و سایر فعالیت‌های بی‌ثبات کننده آن دنبال خواهیم کرد.
۲۰۲۱	۱۵	در خاورمیانه، ما حضور نظامی خود را به اندازه ای که برای برهم زدن شبکه‌های تروریستی بین‌المللی، جلوگیری از تجاوز ایران و حفاظت از دیگر منافع حیاتی ایالات متحده لازم است، اندازه گیری می‌کنیم

(2021, Biden)

#### ۴-۵. مقایسه استراتژی‌ها

لحن این اسناد نسبت به دولت‌های مختلف، متفاوت بوده است، مثلاً استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوره جرج بوش بسیار لحن کابوی آمریکایی دارد و یا در دولت اوپاما لحن مؤدب‌تری به خود می‌گیرد، اما ماهیت این اسناد همیشه مشترک است، سلطه‌افکنی آمریکا و سلطه‌پذیری دیگر کشورها (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۱). دولت‌های بوش و اوپاما در تعریف کلی مسئله‌ی تهدید و چالش‌های پیش روی آمریکا با هم اختلاف داشته‌اند، اما اغلب در زمینه‌ی اهداف امنیت ملی هم نظر هستند. همچنین، استراتژی‌های امنیت ملی بوش و اوپاما درباره‌ی ابزارها و رویکردهای سیاست‌خارجی تا حد زیادی (منهای جنگ پیشدستانه) شبیه یکدیگرند (جهانیان و اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). دونالد ترامپ نسبت به اوپاما بر نشانه‌هایی از تهدید نظامی تأکید دارد؛ تهدید را می‌توان بازتاب چگونگی کاربرد سیاست اقتدار در سند امنیت ملی آمریکا دانست. چنین فرآیندی نشان می‌دهد که معادله‌ی اقتدار پیوسته متأثر از مؤلفه‌های ذهنی، ادراکی و ابزاری قرار خواهد داشت. سیاست مقایسه‌ای ترامپ و اوپاما در حوزه امنیت ملی و دفاع را می‌توان بر اساس اولویت‌های آنان در سند امنیت ملی ایالات متحده دید. دونالد ترامپ بر موازنه اقتدار و باراک اوپاما بر موازنه تهدید تأکید دارند (اسفندیاری و متقی، ۱۴۰۰: ۱۲).

اگر سیاست‌خارجی آمریکا در هر دو دوره‌ی ترامپ و بایدن را مطالعه کنیم، می‌بینیم که تقریباً یک اتفاق نظر و اجماع در جهت‌گیری‌های کلان سیاست‌خارجی آمریکا وجود دارد. ممکن است لحن دولت بایدن با دولت ترامپ فرق کرده باشد و ممکن است در دولت بایدن، نظم بر سیاست‌خارجی حاکم شده باشد اما جهت‌گیری‌ها و اولویت‌بندی‌های سیاست‌خارجی هر دو حزب در کنگره و دولت آمریکا هم‌پوشانی قابل توجهی دارند (سریع القلم، ۱۴۰۱، الف). اما ترامپ روسیه و چین را به عنوان رقیب اصلی خود مطرح کرده است (حبیبی، ۱۴۰۰: ۱). به طور کلی در این اسناد، واشنگتن جهان را به شدت رقابتی و متفاوت از دهه‌های گذشته می‌بیند و تمرکز آمریکا در اهداف بر «بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت»، «بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی» و «توسعه اقتصادی» است (یوسفی و حبیبی، ۱۴۰۰: ۱۱۰).

در جدول شماره ۵ استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ با روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه آن‌که با وجود سیاست‌های فشار و تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران، آمریکا همواره دو سیستم تعامل و فشار را به

طور هم‌زمان در پیش برده تا بتواند به اهداف خود برسد.

جدول ۵: تحلیل محتوای کیفی استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران ۲۰۰۱-۲۰۲۱

سال	دوره	محورهای مورد تاکید	راهبرد در برابر ایران
۲۰۰۱	کلینتون	نگهداشت برتری نظامی آمریکا در سطح جهان کوشش برای پیشبرد تداوم رفاه اقتصادی پیشبرد مردم سالاری بر پایه بازار آزاد	مهار ایران و سیاست تغییر رفتار
-۲۰۰۲ ۲۰۰۶	بوش پسر	مبارزه با تروریسم شامل سازمان‌ها و کشورهای های حلمی تروریسم جلوگیری از دستیابی کشورهای مخالف آمریکا به سلاح‌های کشتار جمعی تغییر رژیم‌های مخالف آمریکا موسوم به محورهای شرارت (ایران، عراق، کره شمالی، کوبا، لیبی و سودان) تمرکز بر آرا و اندیشه‌های جنگ طلبانه در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا	تغییر سیاست آمریکا از تغییر رفتار (مهار دوجانبه) به تغییر رژیم و حمله نظامی در برابر ایران
-۲۰۱۰ ۲۰۱۵	اوباما	گسترش تسلیحات هسته ای، بزرگترین تهدید علیه ایالات متحده است تقویت اتحادهای قدیمی برای مقابله با چالش‌های عصر جدید تاکید بر رهبری آمریکا در عصر جهانی شدن حفظ امنیت و جان مردم آمریکا بزرگترین مسئولیت دولت القاعده در محور تروریسم بین المللی	سیاست تعامل و فشار
۲۰۱۷	ترامپ	چین و روسیه به‌عنوان چالشی علیه قدرت، نفوذ و منافع واشنگتن تلقی شده و آن‌ها را قدرت‌های تجدیدنظرطلب معرفی کرده است	مهار ایران و سیاست تغییر رفتار
۲۰۲۱	بایدن	تهدیدات ژئوپلیتیک آمریکا ناشی از چین و روسیه بوده و این امر موازنه جهانی را تغییر می‌دهد. کشورهای منطقه‌ای نمی‌توانند تهدید پرشدت و پرمخاطره برای منافع، قدرت و امنیت ملی آمریکا ایجاد کنند.	مهار ایران و سیاست تغییر رفتار

(مولفان) و (همتی و درویشی سه تالانی، ۱۳۹۶: ۹۹)

در بخش دوم، نیز با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA

استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در جدول شماره ۶ تعداد دفعاتی کلمه ایران در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ را مشاهده می‌کنیم؛ با وجود آن‌که بیشترین تعداد کلمات به کار رفته در مورد ایران در سال ۲۰۰۱ مشاهده می‌کنیم اما به نسبت تعداد کلمات به کار رفته در استراتژی، درصد بسیار کمی محسوب می‌شود، بیشترین نسبت کلمات ایران به کل کلمات متن را باید در سال ۲۰۰۶ و پس از آن در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ مشاهده کرد. در سال ۲۰۰۶، آمریکا با شروع دو جنگ در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ با افغانستان و عراق، کشور ایران به صورت مداوم تهدید می‌کرد و در سال ۲۰۱۵ برنامه جامع اقدام مشترک، موسوم به برجام میان ایران و کشورهای ۱+۵ منعقد شد و در سال ۲۰۱۷ با روی کار آمدن ترامپ، وی این اقدام را به ضرر آمریکا دید و آن را یک طرفه لغو کرد.

جدول ۶: نسبت کلمات ایران به کل کلمات متن در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران ۲۰۰۱-۲۰۲۱

عنوان	سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۶	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۷	۲۰۲۱
تعداد دفعاتی که کلمه ایران بکار رفته		۲۱	۱	۱۶	۱۴	۱۱	۱۷	۴
تعداد کل کلمات هر استراتژی		۴۴۶۵۱	۱۲۸۲۷	۱۸۶۲۲	۲۸۰۱۳	۱۵۳۵۹	۲۴۲۰۰	۷۷۵۹
نسبت کلمات ایران به کل کلمات متن		۰,۰۰۴	۰,۰۰۰۷	۰,۰۰۸	۰,۰۰۴	۰,۰۰۷	۰,۰۰۷	۰,۰۰۵

مولفان

در جدول شماره ۷ تعداد پاراگراف‌های مرتبط با ایران در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ را مشاهده می‌کنیم؛ بیشترین تعداد پاراگراف‌های مطرح شده مرتبط با ایران در سال ۲۰۱۷، در دوران دونالد ترامپ است، وی بارها مسئله ایران را مطرح کرد و گفت که ایران باید در زمینه‌های گوناگون محدود



شود و به شکل به صورت یک طرفه از برجام خارج شد. اما از لحاظ درصدی، بیشترین درصد پاراگراف‌ها مربوط به سال ۲۰۲۱ است، یکی از مهم‌ترین این دلایل به خاطر آن است که، پس از آن‌که آمریکا به صورت یک طرفه از برجام خارج شد؛ در دوره ریاست جمهوری جو بایدن، آمریکا خواهان بازگشت به برجام بوده است. از همین رو این مسئله به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها برای آمریکا تبدیل شده است.

جدول ۷: نسبت پاراگراف‌های ایران به کل متن، در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در قبال

ایران ۲۰۲۱-۲۰۰۱

عنوان	سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۶	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۷	۲۰۲۱
تعداد پاراگراف‌های مرتبط با ایران		۱۰	۱	۹	۴	۴	۱۵	۴
تعداد کل پاراگراف‌های هر استراتژی		۴۳۰	۲۱۵	۴۵۰	۲۸۵	۱۲۲	۳۲۰	۶۰
نسبت پاراگراف‌های ایران به کل متن		۲,۳۲	۰,۴۶	۲	۱,۴۰	۳,۲۷	۴,۶۸	۶,۶۶

مولفان

##### ۵. استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا پیرامون ایران در عمل

به نظر می‌رسد که یکی از مشخصه‌های الگوی نقش آفرینی آمریکا در طول دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، بازنگری در روندهای مرسوم سیاست بین‌الملل بوده و بر همین مبنای سعی داشته که ردپای مشخص و تأثیرگذاری از نظام ارزشی و هنجاری مطلوب خود در گستره مزبور اعمال نماید (کیوان حسینی و سینا نورانی، ۱۳۹۸: ۳۵۹). بر این اساس روند تهاجمی شدن سیاست‌خارجی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی مشاهده شد و در دوران بعد به ویژه کلیتون، جورج بوش و در دوران ترامپ شاهد اوج آن می‌باشیم. اقدامات دولت آمریکا در این دوره برای مهار انقلاب اسلامی ایران شامل: حمایت از عراق و راه اندازی جنگ، فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، استقرار پایگاه‌های نظامی در کشورهای همسایه، عدم برخورد با منافقین در عراق به عنوان گروه متخاصم و حفظ آن‌ها، حمایت از ساز و کار برخورد با برنامه‌های هسته‌ای ایران در شورای حکام، کشاندن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و صدور قطعنامه

تحریم‌های چندجانبه، اتهامات مداخله در عراق و افغانستان، راه‌اندازی و حمایت از گروه‌های تروریستی، کنار رفتن از برجام و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه (عبدخدائی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۸۰-۱۸۱) و حضور نظامی مداخله‌جویانه در خاورمیانه و خلیج‌فارس (غفاری چراتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰) از جمله مهم‌ترین اقدامات آمریکا بوده است. در جمع‌بندی این اقدامات می‌توان گفت که آمریکا چهار سناریو برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران را در راستای جنگ نرم و ترکیبی داشته است:

۱. تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران

۲. دستکاری افکار عمومی از طریق ابزارهای رسانه‌ای

۳. تقابل مردم و نظام و ایجاد آشوب اجتماعی

۴. دیپلماسی فشار و به پای میز مذاکره کشاندن دوباره برای دور جدید مذاکرات (برزنونی و

فراهادی، ۱۳۹۹: ۱۱۲).

در حال حاضر برای مقابله با ایران دولت بایدن از سازوکارهای ائتلاف‌ساز و الگوی کنش چندجانبه بهره می‌گیرد. سازمان‌دهی ائتلاف‌های منطقه‌ای در چارچوب موازنه فراساحلی، محور اصلی سیاست منطقه‌ای امنیتی و راهبردی بایدن برای محدودسازی قدرت منطقه‌ای ایران در خلیج‌فارس پیش‌بینی شده است. الگویی که می‌تواند زمینه همکاری کشورهای منطقه‌ای با آمریکا علیه ایران را فراهم سازد. پس از آن نیز آمریکا به دنبال سازوکارهای دیپلماتیک برای محدودسازی قدرت ایران خواهد بود. اگرچه در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ بایدن ادبیات محدودی در ارتباط با قابلیت هسته‌ای ایران به عمل آمده، اما واقعیت آن است که هنوز دیپلماسی به عنوان یکی از انگاره‌های آمریکایی برای مهار قدرت ایران تلقی شده و این موضوع به مفهوم آن است که امنیت ملی ایالات متحده ایجاب می‌کند که برای تحقق اهداف ژئوپلیتیک خود به سازوکارهای دیپلماتیک برای مهار و محدودسازی قدرت هسته‌ای ایران مبادرت کند (متقی، ۱۴۰۱: ۱).

### نتیجه‌گیری

از زمانی که رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا استراتژی امنیت ملی را تدوین و بر اساس آن عمل کرده‌اند همواره بر این نظر بوده‌اند که قدرت این کشور را در نظام بین‌الملل چند برابر کنند، به طور معمول بر اساس محاسبه هزینه و فایده این کار انجام شده، تا به دنبال آن دستاوردهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی را افزایش دهند. در این استراتژی‌ها مناطق مهم جهان، که دارای اولویت‌های مهم

امنیتی، سیاسی و اقتصادی برای آمریکا بوده‌اند، آورده شده است. یکی از مهمترین این مناطق غرب آسیا و به خصوص جمهوری اسلامی ایران است. کشور ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ و داعیه‌داری مبارزه با نظام سرمایه‌داری و قطع ارتباط با آمریکا، برای این کشور تبدیل به یک چالش شده است. پس از جنگ اول خلیج فارس و حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ ادعاهایی علیه ایران مطرح شد تا ایران را تحت فشار بگذارند. بر این اساس آمریکا در دوران جرج بوش ایران به همراه چند کشور دیگر، محور شرارت نامیده شد، تا بتواند به انحاء مختلف آن را تحت فشار بگذارد و به طور کلی منافع ایران را محدود سازد و یا این‌که زیر سلطه خود در بیاورد. کشور آمریکا با ساز و کار نظام تحریم‌ها از اوایل انقلاب اسلامی ایران تا کنون، همواره سعی بر آن داشته تا منافع ایران را در نظام بین‌الملل محدود سازد تا در قبال آن منافع خود را افزایش و خود را تبدیل به هژمون برتر در نظام بین‌الملل تبدیل کند.

این پژوهش به دنبال این سوال بود که استراتژی‌های امنیت ملی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ در عمل به چه راهبردهای در قبال ایران تبدیل شده‌اند؟ در پاسخ فرضیه مطرح شده آن است که « ایالات متحده آمریکا با اتخاذ استراتژی‌های امنیت ملی تهاجمی خود در قبال ایران، به دنبال محدود کردن منافع ایران از نظام بین‌الملل است تا بتواند منافع خود را افزایش و در نهایت دوباره به هژمون برتر در نظام بین‌الملل تبدیل گردد» پس از بررسی منابع شاخص دسته اول (اقتصادی و راهبردهای امنیتی) با روش تحلیل محتوای تلفیقی (کمی و کیفی)، و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در ابتدا در بخش کمی، با وجود آن‌که بیشترین تعداد کلمات به کار رفته در مورد ایران در سال ۲۰۰۱ مشاهده کردیم اما به نسبت تعداد کلمات به کار رفته در استراتژی، درصد بسیار کمی محسوب می‌شود، بیشترین نسبت کلمات ایران به کل کلمات متن را باید در سال ۲۰۰۶ و پس از آن در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ مشاهده کرد. در سال ۲۰۰۶، آمریکا با شروع دو جنگ در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ با افغانستان و عراق، کشور ایران به صورت مداوم تهدید می‌کرد و در سال ۲۰۱۵ برنامه جامع اقدام مشترک، موسوم به برجام میان ایران و کشورهای ۱+۵ منعقد شد و در سال ۲۰۱۷ با روی کار آمدن ترامپ، وی این اقدام را به ضرر آمریکا دید و آن را یک طرفه لغو کرد. پیرامون پاراگراف‌های مرتبط با ایران در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱؛ بیشترین

تعداد پاراگراف‌های مطرح شده مرتبط با ایران در سال ۲۰۱۷، در دوران دونالد ترامپ بود، وی بارها مسئله ایران را مطرح کرد و گفت که ایران باید در زمینه‌های گوناگون محدود شود و به شکل به صورت یک‌طرفه از برجام خارج شد. اما از لحاظ درصدی، بیشترین درصد پاراگراف‌ها مربوط به سال ۲۰۲۱ است، یکی از مهم‌ترین این دلایل به خاطر آن است که، پس از آن که آمریکا به صورت یک‌طرفه از برجام خارج شد؛ در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن، آمریکا خواهان بازگشت به برجام بوده است. از همین رو این مسئله به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها برای آمریکا تبدیل شده است. در ابتدا در بخش کیفی می‌توان گفت که استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۱ در ابتدا با سیاست تغییر رفتار و مهار ایران همراه بوده و برهه‌ای به تغییر رژیم و پس از آن به سیاست تعامل و فشار و در نهایت به مهار و تغییر رفتار تبدیل شده و برای اجرای این استراتژی‌ها طی این مدت، هر سال تحریم‌های بیشتر و متنوع‌تری را علیه ایران اعمال کرده است؛ این در حالی است که تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران با وجود انعقاد برجام در دوران باراک اوباما، به طور کامل حذف نشد و در دوران ترامپ نه تنها آمریکا از برجام خارج شد بلکه تحریم‌های جدیدتر و متنوع‌تری علیه ایران اعمال شد. در دولت بایدن نیز سیاست‌های قبلی دولت های آمریکا به شیوه متفاوت در حال دنبال شدن است. آمریکا به دنبال آن بوده که امنیت ایران را دچار اختلال کرده تا در پی آن امنیت خود را افزایش دهد.

## منابع

۱. آجیلی، هادی، رضایی، نیما (۱۳۹۷). رئالیسم تدافعی و تهاجمی (چارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخداد‌های خلیج فارس). امنیت ملی، ۸(۲۷)، ۱۶۵-۱۹۸. دوره ۸، شماره ۲۷ بهار ۱۳۹۷.
۲. آزادی، علی (۱۴۰۰). شکست استراتژی آمریکا در مقابل چین. پایگاه اقتصاد نیوز. کدخبر: ۴۴۳۱۶۷- ۱۴۰۰/۰۷/۰۶
۳. آیش، مریم (۱۴۰۰). آمریکا و تلاش برای به چالش کشاندن اقتصاد چین. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. کد خبر ۸۴۶۰۲۱۴۸- ۲۱ دی ۱۴۰۰
۴. اسفندیاری، حسن و متقی، ابراهیم (۱۴۰۰). ارزیابی مقایسه‌ای سیاست امنیت ملی آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ در جنوب غرب آسیا. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۸ پاییز ۱۴۰۰

۵. اسماعیل زاده، یوسف (۱۳۹۴). نقش تحریم‌های آمریکا در توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران و چین. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز. دانشکده علوم سیاسی.
۶. آقایی، سید داود و اکبریان، علیرضا (۱۳۹۶). تعامل یا تقابل چین با آمریکا در خلیج فارس. **فصلنامه سیاست**. دوره ۴۷، شماره ۲ تابستان ۱۳۹۶
۷. اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۶). بررسی استراتژی امنیت ملی آمریکا. **مجموعه رصد راهبردی اندیشکده راهبردی تبیین**. دی ماه ۱۳۹۶
۸. ایزدی، فؤاد و خدایی، اسفندیار (۱۳۹۷). محدودیت‌های آمریکا در همراه ساختن چین با تحریم‌های اقتصادی ایران. **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**. سال پانزدهم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۷
۹. بختیاری، تهمنه (۱۳۹۶). سند امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۸: از بی تعهدی تا تهدید دولت‌ها. **خبرگزاری صدا و سیما**. کد خبر ۱۹۶۳۰۱۵ مورخ ۴ دی ۱۳۹۶  
<https://www.iribnews.ir/fa/news/1963015/>
۱۰. بزرگر، کیهان. (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. **فصلنامه روابط خارجی**، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸
۱۱. برزنونی، محمدعلی؛ فرهادی، فرشید (۱۳۹۹). آینده پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی. **فصلنامه آفاق امنیت**، سال سیزدهم، شماره ۴۶ بهار ۱۳۹۹
۱۲. بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**. تهران: ابرار معاصر.
۱۳. پاک نیا، مهدی (۱۳۹۳). پیامدهای گرایش راهبردی آمریکا به رقابت با چین در رابطه با ایران (۲۰۱۰ تا کنون). **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۴. پیرفیروزجایی، حمید (۱۳۹۶). راهبرد نظامی آمریکا در خلیج فارس و امنیت ملی ج.آ.آ. ۲۰۱۲-۲۰۱۷. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۱۵. جالینوسی، احمد؛ هاشمی، سید محمود، باقری، محسن. (۱۳۹۴). بررسی سند استراتژی امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۵) و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه تاریخ**، ۱۰(۳۷).
۱۶. جهانیان، شهاب و اسلامی، سعید (۱۳۹۹). بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم. **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۸۷ بهار ۱۳۹۹

۱۷. حبیبی، رحمان (۱۴۰۰). نگاهی به رهنمود استراتژیک موقت امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۱. موسسه آینده پژوهی جهان اسلام. گزارش ویژه شماره ۵۹ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۶
۱۸. درج، حمید و بصیری، محمدعلی (۱۴۰۰). تأثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۳ شماره ۱ بهار ۱۴۰۰
۱۹. دهشیار، حسین (۱۳۸۶). چارچوب‌های نظری واکنش آمریکا به صعود چین. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای. سال نهم، شماره ۱. زمستان ۱۳۸۶
۲۰. دهشیار، حسین و نجم آبادی، مرتضی و بخشی، رامین (۱۳۹۸). رقابت چین و آمریکا در دریای جنوبی چین. فصلنامه راهبرد سیاسی، سال سوم، شماره ۹ تابستان ۱۳۹۸
۲۱. دهشیری، محمدرضا و قائدی، محمدرضا و حبیبی، سیدمهدی (۱۳۹۹). تشدید واگرایی آمریکا و چین در عصر پساکرونا و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹
۲۲. رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۷). بررسی مقایسه‌ای نگاه به چین و ایران در استراتژی امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۷). فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک ۱۴(۵۲)، دوره ۱۴، شماره ۵۲ زمستان ۱۳۹۷
۲۳. روحانی، حسن (۱۳۸۱). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات اخیر آمریکا. مجله حکومت اسلامی. شماره ۲۳
۲۴. روحی، محبوبه و شفیعی، نوذر. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل روابط روسیه و ترکیه بر اساس تئوری لیبرالیسم (۲۰۰۲-۲۰۱۴). فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۷(۲۵)، ۴۶-۲۶.
۲۵. سریع القلم، محمود (۱۴۰۱، الف). ایران و ژئوپولیتیک جدید جهان <https://sariolghalam.com/2022/03/19>
۲۶. سمتی، هادی و رهنورد، حمید (۱۳۸۸). امنیتی شدن ایران و استراتژی ایالات متحده آمریکا. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸
۲۷. سمتی، هادی، رهنورد، حمید (۱۳۸۸). امنیتی شدن ایران و استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸
۲۸. سیمبر، رضا و رضاپور، دانیال (۱۳۹۹). واکاوی سیاست‌های ژئوپلیتیکی روسیه در قبال آسیای مرکزی با تأکید بر عامل چین. فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل. دوره ۳ شماره ۶ پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۹. طباطبایی، سیدمحمد و قیاسی، امیر (۱۳۹۲). راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال چین (۲۰۰۸-۲۰۱۲) بر اساس تئوری موازنه نرم. **فصلنامه مطالعات سیاسی-اجتماعی جهان**، دوره ۳، شماره ۲. پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۳۰. عبدخدائی، مجتبی؛ رحیمی نژاد، محمدعلی (۱۳۹۷). راهبردهای ۴۰ ساله آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی** ۱۵ (۵۵): ۱۸۴-۱۶۵، دوره ۱۵، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۷.
۳۱. غفاری چراتی، علی اصغر، خداوردی، حسن، کشیشیان سیرکی، گارینه. (۱۴۰۰). نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر. **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، ۱۷(۵۶)، ۴۰-۵۹.
۳۲. فتحی، فرحناز (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل بایسته‌های رئالیسم تهاجمی با نگاه نظریه نو واقع‌گرایی. **فصلنامه قانون یار**. دوره چهارم، شماره ۱۵ پاییز ۱۳۹۹.
۳۳. قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. **فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی**، ۷(۲۳)، ۸۲-۵۷.
۳۴. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). مناسبات اقتصادی آمریکا-چین و آثار آن بر امنیت ملی ایران. **فصلنامه مطالعات راهبردی**. سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹.
۳۵. کیسینجر، هنری (۱۴۰۱). وارد عصر جدیدی شده‌ایم. روزنامه شرق. ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره خبر ۸۴۶۲۹۵.
۳۶. کیوان حسینی، سیداصغر و سینا نورانی، سیدامیر (۱۳۹۸). ترامپ، جهت‌گیری آمریکا اول و اخلال در تجارت بین‌الملل (۲۰۱۷-۲۰۱۹). **دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل**. دوره دوم، شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۳۷. گروه واژه‌گزینی. (۱۳۹۶) جواد میرشکاری، ویراستار. دفتر اول. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. سرواژه راهبرد.
۳۸. ماندل، رابرت (۱۳۸۷). چهره متغیر امنیت ملی، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: **پژوهشکده مطالعات راهبردی**
۳۹. متقی، ابراهیم (۱۴۰۱). ایران در سند امنیت ملی آمریکا. روزنامه دنیای اقتصاد. شماره روزنامه: ۵۵۷۲ شماره خبر: ۳۹۰۸۸۲۱ تاریخ چاپ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶
۴۰. متقی، ابراهیم. (۱۳۹۱). تحلیل نظری الگوهای رفتاری آمریکا نسبت به چین. **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، ۵(۱۹)، ۲۴۰-۲۱۷.

۴۱. مختاری، لادن (۱۳۸۲). راهبرد امنیت ملی آمریکا در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. زمستان ۱۳۸۲
۴۲. مصلی نژاد، عباس. (۱۳۹۷). سیاست مقایسه‌ای آمریکا در برخورد با ایران و امنیت خاورمیانه. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۴(۵۲)، ۲۰-۱. دوره ۱۴، شماره ۵۲ اسفند ۱۳۹۷
۴۳. مظاهری، محمد (۱۳۸۸). تبیین رقابت‌های چین و ایالات متحده آمریکا در چارچوب نظریه چرخه قدرت. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸
۴۴. معدنچی رسولی، سمیرا (۱۳۹۶). بررسی سازه انگارانه روابط چین و ایران ۱۹۹۵-۲۰۱۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). دانشکده علوم اجتماعی.
۴۵. نظری پریانی، م (۱۴۰۰). گسترش نفوذ آمریکا در آسیا و تغییر سیاست‌خارجی چین در قبال افغانستان. روزنگار ماندگار. <https://mandegardaily.com/?p=90885>
۴۶. نورانی، محمود (۱۳۹۹). آمریکا و چین، بررسی دو الگوی حکمرانی در عصر کرونا. فصلنامه حکمرانی متعالی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹
۴۷. همتی، زهره و درویشی سه تلانی، فرهاد. (۱۳۹۶). بررسی رویکردهای سیاست‌خارجی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۴-۱۹۹۳. مجله سیاست دفاعی، ۲۵(۱۰۰)، ۷۵-۱۰۴. دوره ۲۵، شماره ۱۰۰ - پاییز ۱۳۹۶
۴۸. وحیدی‌راد، میکائیل (۱۳۹۲). نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران. خردنامه، شماره ۱۰ بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۴۹. یوسفی، مجید و حبیبی، رحمان (۱۴۰۰). تحلیل اسناد راهبردی آمریکا (استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و استراتژی نظامی ملی). فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. شماره ۴۱ دوره ۱۱ زمستان ۱۴۰۰.

50. Biden. Joseph R (2021). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>
51. Bush. George W (2002). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>
52. Bush. George W (2006). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>
53. Clinton. William J (2001). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>



54. Goodarzi, Soheil & other (2018) Trump and the Perspective of the US National Security Strategy; the Transition from Multilateralism to Unilateralism. Geopolitics Quarterly, Volume: 13, No 4, Winter 2018
55. Körpe, Özgür (2022). Reading the USA through Strategy Documents: An Analysis on the Change of Hegemonic Security Understandin. Güvenlik Stratejileri Dergisi. 2022, 18(42): 265-293
56. Nejati M. H. (2021) Trump's US Policy, International Agreements and the Islamic Republic of Iran Foreign Policy. Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT) Vol. 12 No. 13 (2021)
57. Obama, Barack (2010). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>
58. Obama, Barack (2015). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>
59. Trump, Donald (2017). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>
60. World Trade Organization(2021) <http://stat.wto.org/CountryProfile/WSDBCountryPFView.aspx?Country=CN>
61. Worldbank (2021). <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD>.